

The Concept and Interpretive Principles of Relational Contracts in Islamic Jurisprudence and Iranian Law: A Comparative Study with European and American Legal Systems

 **Mohammad Hosein Vakili Moghadam**

Assistant Professor of Private Law, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e- Masoumeh University, Qom, Iran.
m.vakili@hmu.ac.ir

Received: 2025-05-16

Accepted: 2025-07-24



Abstract

Today, preservation of agricultural land and prevention of its fragmentation has become one of the priorities and challenges faced by all governments around the world, due to its important role in food security and other social, economic, and even political issues, and has also been recommended and emphasized by international organizations. One of the institutions that has been used in various countries to preserve agricultural lands and prevent fragmentation, as well as develop their integrity, is the "right of priority" to purchase agricultural land granted to a specific group of beneficiaries. This research uses the descriptive and analytical method to study how the European Union member states have used the right of priority to preserve agricultural land and what criteria and procedures they have adopted for its implementation.

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

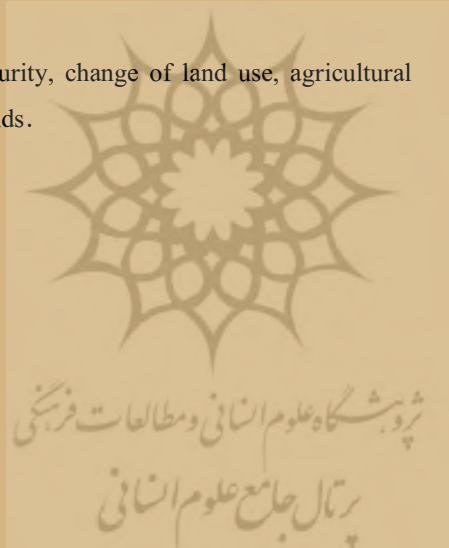
Vol. 8 | No. 29 | winter 2026
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2060848.1649.

In the following, considering the institution of priority right and its function, the haghe shofeh (i.e if immovable property is divisible between two partners and one of the partners transfers his share to a third party with the intention of selling it, the other partner has the right to give him the price paid by the buyer and take possession of the sold share) in Iranian jurisprudence and law will be briefly discussed, and the developmental and extensible perspectives that are close to the right of priority in European law will be mentioned, and finally, proposed articles for codification of the "right of priority in agricultural lands" will be presented.

Keywords: food security, change of land use, agricultural rights, integrity of lands.



مفهوم و اصول تفسیری قراردادهای رابطه محور در فقه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق اروپا و آمریکا

استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.
m.vakili@hmu.ac.ir

محمدحسین وکیلی مقدم 



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۹ | زمستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2025.2060848.1649

چکیده

تحولات پرشتاب در عرصه تجارت و مناسبات حقوقی، به‌ویژه پیچیدگی روابط اقتصادی بلندمدت، منجر به بازنگری در نظریه‌های کلاسیک حقوق قرارداد شده و شکل‌گیری مفهوم «قراردادهای رابطه‌محور» را به‌دنبال داشته است. این قراردادها بر پایه اعتماد متقابل، تعامل مستمر، و ساختارهای انعطاف‌پذیر طراحی شده‌اند و در برابر مدل سنتی تعهدمحور که بر اراده لحظه‌ای و یا الفاظ تکیه دارد، الگویی پویا و فرایندمحور در انعقاد قرارداد ارائه می‌دهند. مقاله حاضر با رویکردی تطبیقی، به تبیین مفهومی، اصول حاکم، و جایگاه این قراردادها در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی می‌پردازد. در این راستا، ضمن بررسی نظریه مک‌نیل و تطبیق آن با مفاهیم فقهی چون ایتمان، نشان داده می‌شود که هنجارهایی چون حسن‌نیت، تعهد به وفاداری، تفسیر زمینه‌محور و اصل ابقای عقود، از اجزای بنیادین این قراردادها محسوب می‌شوند. همچنین، با تحلیل دکترین، متون

قانونی و رویه‌ی قضایی نظام‌های حقوقی کشورهای اروپایی و آمریکا، بیان می‌شود که قراردادهای رابطه‌محور قابلیت انطباق با نهادهایی مانند عقود امانی و مشارکتی را دارا هستند، اما از حیث فلسفه وجودی و هدف‌مندی در سطحی فراتر قرار می‌گیرند. بررسی نمونه‌های فقهی نیز مؤید آن است که فقه اسلامی با مفاهیمی نظیر ایتمان، قابلیت پذیرش این قراردادها را دارد؛ به‌ویژه در جایی که اعتماد مبنای انعقاد عقد قرار گرفته باشد. قراردادهای رابطه‌محور ظرفیت انطباق با بسیاری از عقود رایج را دارد و باید بر مبنای تحقق شرایط و اقتضات آن، الزامات متناسب را در انعقاد، اجرا و تفسیر آن‌ها به کار گرفت. در این نگرش قراردادها طیفی متنوع از عقود را شامل می‌شوند که در برخی مصادیق از بالاترین سطح رابطه‌محوری برخوردار است. مقاله بر آن است تا با شناسایی این ظرفیت‌ها، بستر مناسبی برای توسعه نظریه‌های کارآمد در حقوق قراردادهای ایران فراهم آورد. نهایتاً، این مطالعه با تبیین اصول تفسیری حاکم بر قراردادهای رابطه‌محور نتیجه می‌گیرد که بازنگری در تفاسیر حقوقی سنتی و پذیرش ماهیت سیال و تعاملی قراردادهای نوین، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و کارآمدی بیشتر نظام حقوق قراردادهای ایران شود.

کلیدواژه‌ها: قراردادهای رابطه‌محور، اعتماد قراردادی، تفسیر زمینه‌محور، امانت قراردادی، ایتمان.

مقدمه

امنیت حقوق قراردادهای در اصلی ترین کارکرد خود با تقسیم بندی انواع روابط قراردادی در مقام ایجاد یک نظام هنجاری بر پایه اوصاف تمایز یا اشتراک عقود است. در نگرش های اولیه، قرارداد حاصل توافق و اتفاق نظر طرفین در حصول نتیجه ای مبنی بر اجرای تعهد یا تسلیم محصول است که دارای قوه الزام گر و ضمانت اجرای قانونی است. بی آنکه به زبان آید یا در قانون و متون حقوقی تصریح شود، فرض بر این است که طرفین فرصت طلبانه با آگاهی از منافع خود رابطه ای قراردادی را شکل می دهند که در یک اوج هیجان نفسانی، اراده ها را به هم پیوند می دهد و زمینه تحقق خواست درونی آن ها را فراهم می سازد. در این فرایند گذشته و آینده چندان اهمیتی ندارند و ملاک تفسیر یا قضاوت، هر آن چیزی است که در قرارداد و در لحظه تعاقد مطرح شده است. گویی شرایط آتی و نیاز متعاقدین از چنان قطعیت و وضوحی برخوردار است که قرارداد بازتاب تمام خواست طرفین است و جز آنچه به تصریح ذکر شده در قلمرو شمول عقد قرار نمی گیرد. به تدریج تحولات نمایان شد؛ پیچیدگی روابط و مراودات مالی چنان فزونی یافت که در بسیاری از موضوعات تعیین قطعی مفاد تعهد در زمان قرارداد ناممکن می نمود. طرفین فراتر از مبادله یا اجرای تعهدی مقطعی و گسسته، به تعاملاتی روی آوردند که حفظ رابطه در آن دارای اولویت شد. طولانی مدت شدن و تداوم رابطه اقتضائاتی ویژه از منظر عرفی ایجاد نمود که با ضوابط و سازوکارهای سنتی و مرسوم حقوق تفاوت داشت و نادیده گرفتن آن ها در فرایند تفسیر و حل اختلاف، رابطه قراردادی را از کارآمدی لازم دور می نمود. رشد و رواج چنین قراردادهایی مورد توجه برخی حقوق دانان قرار گرفت و با پیشنهاد عنوان «قراردادهای رابطه محور» و یا «عقود ارتباطی»، مطالعاتی جامع پیرامون ویژگی های آن ها انجام شد که نشان می دهد این قراردادهای نوعی متمایز از عقود قلمداد می شوند که از یک سو باید اعتبار و اهمیت آن ها به رسمیت شناخته شود و از سوی دیگر اصول حقوقی حاکم بر آن ها تبیین گردد. قرارداد رابطه محور قراردادی است بر پایه اعتماد و دربرگیرنده شروط و ضوابطی منعطف که به موجب آن پیرامون اوضاع و احوال نه چندان قابل پیش بینی، سازوکاری مبتنی بر استمرار رابطه رو به تکامل مورد توافق قرار می گیرد. در این قراردادهای طرفین آگاهانه

به جای تعیین تعهدات تفصیلی، الگوهایی را به تراضی تعیین می‌نمایند که متابعت از آن‌ها برای وفای به عهد الزامی است. با وجود سپری شدن زمانی طولانی از طرح این بحث، در حقوق ایران چندان به این موضوع توجه لازم نشده است. در حالی که تحلیل مفهوم، تعیین مصادیق و ارزیابی تمایز ضوابط حقوقی ناظر بر چنین قراردادهایی می‌تواند افزون بر شناخت عمیق‌تر از مبانی حقوق قراردادهای، زمینه کارآمدی بیشتر آن را فراهم آورد. در این مقاله تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که تمایز مفهومی و ساختاری قراردادهای رابطه‌محور در چیست؟ براین اساس با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی ابتدا مفهوم این قراردادها و ویژگی‌های ماهوی آن‌ها تبیین می‌شود. سپس به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا ویژگی‌های متمایز چنین قراردادهایی ضرورت اعمال اصول حقوقی مستقل ناظر به آن‌ها را توجیه می‌کند؟ همچنین موضع فقه اسلامی و حقوق ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا جایگاه قراردادهای رابطه‌محور در نظام حقوقی ایران و امکان انطباق‌سنجی آن با نهادهای مشابه به‌درستی درک شود.

۱. مفهوم قراردادهای رابطه‌محور و زمینه‌های به‌کارگیری آن

تسهیل و گسترش روابط تجاری حاصل از به‌کارگیری فناوری، الگوهای جدیدی در کسب-وکار ایجاد نمود که نوسان، عدم قطعیت، پیچیدگی و ابهام از ویژگی‌های آن قلمداد می‌شد. این تحولات که نشانه‌های آن از دهه ۶۰ میلادی ملاحظه می‌شود حقوق قراردادهای را نیز به عرصه‌ای برای تلاش جهت مقابله با ریسک و ایجاد ثبات معاملاتی در بلندمدت تبدیل کرد. در این میان «مکنیل»^۱ حقوق‌دان اسکاتلندی-آمریکایی با مجموعه مطالعات خود در روابط بین‌تجار، الگوهای حقوقی مورد استفاده در دوران جدید را سامان‌دهی و تبیین نمود. او در چند پژوهش مرتبط^۲ اعلام کرد مصادیق و نمونه‌های قراردادهای طیفی شامل

^۱ - Ian Roderick Macneil (1929-2010).

^۲ - Macneil, Ian Roderick (2000), "Contracting Worlds and Essential Contract Theory", *Social & Legal Studies* Vol. 9, p. 431; (1974). "The Many Futures of Contract", *Southern California Law Review*, Vol. 47, p. 691; (1978). "Contracts: Adjustment of Long-Term Economic Relations under Classical, Neoclassical, and Relational Contract Law", *Northwestern University Law Review*. Vol. 72(6), p. 854; (1968), **Contracts, Instruments For Social Cooperation, East Africa: Text, Cases, Materials**, F.B. Rothman; (2000), "Relational Contract Theory: Challenges and Queries", *Northwestern University Law Review*, Vol. 94, p. 877.

«قراردادهای گسسته»^۱ تا «قراردادهای رابطه‌ای»^۲ را شامل می‌شود که منطبق با تحلیل بسیط و تک‌مصدافی قرارداد در حقوق قراردادهای کلاسیک نیست (Frydlinger et. al., 2016: 5). در این دیدگاه، قرارداد گسسته یا موردی^۳ مبادله مقدار مشخصی کالا و پول است در گسست و انتزاع از گذشته و آینده. در حالی که تکرار آن در آینده نیز مورد انتظار نیست (Itoh, Morita, 2006: 3). به‌عنوان نمونه، خرید یک بطری آب معدنی از سوی گردشگر از فروشگاهی در یک نقطه دورافتاده در مسیر یک سفر تفریحی مصدافی از بالاترین سطح گسستگی^۴ در قرارداد است. در چنین معاملاتی به شکل معمول نه انتظار مراجعه مجدد به فروشگاه وجود دارد و نه قصد معرفی و توصیه آن به سایرین. خریدار برای رفع نیاز آنی خود و فروشنده برای دریافت وجه بدون امکان واگذاری تعهدات به آینده، برای یک مرتبه^۵ قرارداد را منعقد می‌نمایند. حتی بدون وجود یک زبان مشترک با اشاره نیز مقصود موردنظر به طرف مقابل تفهیم می‌شود و اعتبار، حسن شهرت و یا حسن نیت طرفین چندان مهم نیست؛ زیرا اجرای قرارداد فوری است و انتظاری بر تداوم رابطه قراردادی در آن وجود ندارد (Gudel, 1988: p.765).

اما گاهی ابهام شرایط مؤثر بر اجرای تعهد چنان فزاینده است که در زمان انعقاد قرارداد به شکل کامل پیش‌بینی‌پذیر نیست و یا موضوع قرارداد به نحوی است که انجام آن نیازمند ایجاد رابطه‌ای مشارکتی و تعاملی بین طرفین است که زمینه مدیریت ریسک و کاهش خطرات را فراهم آورد. در چنین تعاملی، قراردادی الزام‌آور به کار گرفته می‌شود که دارای ساختار منعطف و مبتنی بر هم‌سویی مستمر منافع طرفین است. در این قراردادها برخلاف قراردادهای سنتی که بر پایه فرصت‌طلبی و تغایب^۶ شکل می‌گیرد، مشارکت، مسئولیت-پذیری و تعامل^۷ پایه‌ریزی می‌شود و بهبود مستمر رابطه در راستای حداکثرسازی منافع طرفین مورد توجه قرار می‌گیرد. بر مبنای فهم منافع مشترک حاصل از تداوم رابطه^۸ است

1 - Discrete Contracts.

2 - Relational Contracts.

3 - Spot Transactions.

4 - Pure Discreetness.

5 - One-Off Contract.

6 - Adversarial Contracts.

7 - Collaborative Contracts.

8 - Relational Knowledge.

که طرفین فراتر از تحقق مبادله به استمرار رابطه اهمیت می‌دهند؛ زیرا در این صورت بالاترین بازده برای طرفین تحقق خواهد یافت (Herz, Schmutzler, Volk, 2016: p.8)؛ بنابراین ابهام و یا حتی خلأ این قراردادها در مواجهه با تحولات، حاصل ضعف در قرارداد نویسی و یا عدم آگاهی طرفین نیست؛ بلکه اقتضای موضوع و تعامل در شرایطی با تغییرات فزاینده است. در چنین شرایطی قرارداد رابطه‌محور بر مبنای به‌کارگیری کارایی پسینی^۱ این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان با حفظ چهارچوب و شاکله کلی قرارداد، متناسب با شرایط جدید مصادیق تعهدات طرفین را تعیین کرد و از این طریق هزینه‌های تنظیم قرارداد را کاهش داد، عاملی که یکی از مؤلفه‌های رشد شرکت‌های ژاپنی در دوران بعد از جنگ جهانی عنوان شده است (Kobayashi, 2005: p.276).

افزون بر بالارفتن سرعت تغییرات و تکثر متغیرهای مؤثر بر اجرای تعهد، ذهن الگوپذیر انسان متمایل به استفاده از الگوهای ساده و شناخته‌شده‌ای است که الزاماً منطبق با واقع یا کارآمد محسوب نمی‌شوند. وجود سوگیری‌های شناختی در این فرایند موجب شده است که برخی از این واقعیت با عنوان «مغالطه برنامه‌ریزی»^۲ یاد نمایند؛ زیرا برخلاف آنچه تصور یا ادعا می‌شود نمی‌توان با طراحی قرارداد به‌مثابه برنامه‌ریزی رابطه در آینده، تمام فروض محتمل و ممکن را پیش‌بینی‌پذیر کرد (Frydinger et. al., 2016: p.20).

قراردادهای رابطه‌محور سازوکاری پویا با دینامیک فعال ایجاد می‌نمایند که در طول زمان در حال تکامل است و متناسب با شرایط، مصادیق موضوع تعهدات مندرج در آن نیز دچار تغییر خواهند شد؛ برخلاف تئوری تعهدمحور^۳ در حقوق قراردادها، قراردادهای رابطه-محور فراتر از آنچه در متن قرارداد یا ایجاب و قبول تصریح شده به‌هنگارها و الگوهای زمینه‌ساز شکل‌گیری ارتباط قراردادی نیز توجه می‌نمایند. در مقام تمثیل بیان شده است

۱- تحقق کارایی قرارداد در تفسیر قضایی به شیوه «کارایی پیشینی» (*Ex-ante Efficiency*) به معنی تکمیل و رفع خلأهای قرارداد بر مبنای رویکرد نوعی است که طی آن قواعد پیش‌فرض اعمال می‌شود و بدون توجه به خواست و نیت حقیقی طرفین از قرارداد رفع ابهام می‌شود. اما در «کارایی پسینی» (*Ex-post Efficiency*) بستر و زمینه شکل‌گیری رابطه حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد و به‌جای طراحی قواعد پیش‌فرض، نتایج و آثار اجرای توافق به سمت کارآمدی هدایت می‌شود. این نگرش امکان تعدیل قضایی قرارداد را فراهم می‌آورد (Scott, 2000: 850).

۲ - Planning Fallacy.

۳ - Promise-Centered Theory.

اگر قرارداد گسسته عکسی تثبیت شده از روابط حقوقی طرفین ایجاد می نماید، قرارداد رابطه محور همانند یک فیلمی دارای صحنه های متعدد، متغیر و پویا تعامل حقوقی طرفین را شکل می دهد (Davidson, 2023 : p.63). بر همین اساس، زمینه گرایی^۱ از مبانی توجیهی آن قلمداد می شود (MaCneil, 1978 : p.856; Hutchson, 2017 : p.297).

اثر یا کارکرد اصلی قراردادهای رابطه محور، بازتاب هنجارها و الگوهایی است که بر مبنای انتظارات متقابل و تعهد به رعایت منافع طرف دیگر و جلوگیری از بروز تعارض منافع ایجاد شده اند (Circo, 2012 : p.17). برخلاف قراردادهای گسسته به مثابه زیربنای نظری حقوق کلاسیک، قرارداد رابطه ای بازی با حاصل جمع صفر نیست که سود و نفع یکی از طرفین الزاماً به زیان دیگری بینجامد بلکه استراتژی برد-برد^۲ مبنای نظری استفاده از آن است؛ زیرا انتظار متعارف همکاری و وفاداری، اعتماد متقابل، تلاش مؤثر و معقول برای ثمردهی و تحقق اهداف و سرمایه گذاری قابل توجه از جانب طرفین از آثار رایج چنین قراردادهایی است که نوعی همبستگی حقوقی را رقم می زند (Jeorges, 1985 : p.603). وصفی که موجب می شود بن مایه کلی قرارداد از «بهبودسازی نفع فردی»^۳ به «بهبودسازی نفع اشتراکی»^۴ تغییر نماید. این اعتماد و همبستگی^۵ ماهیتی ارگانیک و تکامل پذیر به این قراردادها می دهد که در گفتمان جزم گرای حقوق قراردادهای کلاسیک چندان قابل توجیه نیست (Hawthorne, 2007 : p.382).

اگرچه نمونه هایی مانند قراردادهای استخدامی، جوینت ونچر، فرانسیز، عرضه و توزیع، زنجیره تأمین و تولید، قراردادهای اقتصادی خانوادگی، ساخت و ساز و قراردادهای طولانی مدت میان شرکتها و مؤسسات مالی معظم از مصادیق قراردادهای رابطه محور تجاری و نکاح از مصادیق غیرتجاری آن در پژوهش های مختلف ذکر شده (Heminway, 2022 : p.131; Feinman, 2000 : p.747; Scott, Scott, 1988 : p.1252; Collins, 2016 : p.14; Bird, 2005 : p.152) و دامنه این قراردادها به روابط بین شهروندان و دولت ها نیز تسری یافته است (Fox, 2003 : p.3)؛ اما باید دانست هر قراردادی می تواند متناسب با

¹ - Contextualism.

² - Win-Win Strategy.

³ - Individual Utility Maximisation.

⁴ - Co-Operative Utility Maximisation.

⁵ - Trust & Solidarity.

شرایط از اوصاف ارتباطی برخوردار باشد و چنان که آمد تقسیم قراردادهای بر این اساس، در یک طیف دارای دامنه و مصادیق متعدد است که در مقام ارزیابی و تفسیر باید میزان رابطه-محور بودن یا گسسته بودن آن را تعیین نمود؛ بنابراین تحدید مصادیق چنین قراردادهایی به عقود معین خطاست و تلاش برای تعیین نمونه‌های چنین قراردادهایی در تقابل با عقود گسسته نیز، محدود کردن بحث به ارزیابی قراردادهای رابطه‌محور در معنای خاص است در حالی که باید در نظر داشت هر رابطه قراردادی به میزان برخوردار از ویژگی‌های گفته-شده، دارای وصف ارتباطی خواهد بود که شاخصه‌ای دارای شدت و ضعف است (MaCneil, 2000: p.895).

گفتنی است هر چه بر پیچیدگی فنی یا نوآورانه بودن محصولات و خدمات مورد نیاز افزوده شود و میزان جایگزین‌پذیری آن‌ها کاهش یابد، زمینه استفاده از چنین قراردادهایی افزایش خواهد یافت (Johnson et. al., 2001: p.6). در این معنا، برخلاف آنچه بیان شده است (Gibbons, 2012: p.15; Baker, Gibbons, Murphy, 2002: p.41) قرارداد رابطه-محور، خود الزام‌گر^۱ قلمداد نمی‌شود و می‌توان الزام به اجرای مفاد آن را از محاکم مطالبه نمود. همچنین اگر چه به شکل معمول چنین قراردادهایی روابط بلندمدت حقوقی طرفین را سامان می‌دهند؛ اما عقد مستمر محسوب نمی‌شوند؛ زیرا اجزای زمان، بستر تحقق، تعیین بخشی و فعلیت یافتن موضوع عقد نیست؛ بلکه ظرف اجرای آن است (وکیلی مقدم، ۱۴۰۱: ۳۰۸). در مقایسه با شبیه‌ترین نهاد؛ یعنی امانت نیز باید دانست بی‌تردید با تحقق توافق و تراضی، تصرف شخص در اموال طرف قرارداد در این عقود به امانت مالکانه منجر خواهد شد؛ اما نباید پنداشت هر عقد امانی مصداقی از قراردادهای رابطه‌ای است. چراکه فراتر از اذن مالک در تصرف دیگری در مال، به مثابه رکن سازنده امانت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۰۹)، ابهام در شرایط اجرای تعهد، تمایل به تداوم رابطه و ایجاد زمینه اشتراک در منافع برای شکل‌گیری عقد رابطه‌محور ضروری است. بر این اساس، اگر چه عقد اجاره و مضاربه هر دو به تحقق ید امانی مستأجر و مضارب منجر خواهند شد؛ اما مضاربه انطباق بیشتری با قراردادهای رابطه‌محور دارد. در حالی که اجاره از مصادیق عقود تعابنی است که ید امانی مستأجر در آن صرفاً به معنی ضمانی نبودن تصرفات و غاصب نبودن او است

¹ - Self-Enforcing.

(صفایی، جواهرکلام، ۱۴۰۰: ۲۶۲). افزون بر این، تعهدات امانی در راستای حفظ منافع شخصی دیگر است که طبق آن امین باید منافع اصیل را محافظت نماید؛ در حالی که در عقود رابطه محور هریک از طرفین در حفظ موقعیت و ارتباط مشترک دارای نفع هستند و از این منظر در راستای حفظ منافع خویش اقدام می نمایند (Soper, 2023: p.73). از مهم ترین اوصاف قراردادهای رابطه محور شکل گیری روابط نزدیک و دارای جنبه های مختلف بین طرفین، اختیار آن ها در برهم زدن قرارداد، آسان نبودن اندازه گیری و مقیاس - سنجی موضوع، اهمیت تعامل در آینده، شکل گیری مزایای مشترک، و اثرگذاری شخصیت و عوامل متعدد مانند حسن شهرت و اعتبار در انتخاب طرف قرارداد است (Campbell, 2004: p.17).

۲. مبانی و هنجارهای قرارداد رابطه محور و جایگاه آن در حقوق قراردادها

نظریه مک نیل پیرامون این عقود را باید در تقابل با رویکرد کلاسیک حقوق قراردادها دانست که طبق آن هر قرارداد، تعاملی بر پایه رقابت و منفعت جویی طرفین است که بر مبنای تراضی ابزاری در راستای ضابطه مند کردن تفصیلی و جزئی نفع طلبی متقابل طرفین قلمداد می شود. حقوق قراردادهای کلاسیک، قاعده محور^۱ است که به مثابه گزاره های بنیادین، ماهیتی بدیهی و دلالتی واضح و بی نیاز از اثبات^۲ دارد. تفسیر و استنباط در این رویکرد بر استنتاج منطقی^۳ استوار است که طبق آن مقدمات تحلیل به نتایج محتوم و غیر قابل خدشه ای منجر می شود که در هر موقعیت قابل اثبات، قابل تعمیم و تثبیت شده است. در این نگرش الگوی رفتار انسانی منطقی^۴ پذیرفته شده است که طبق آن افراد در مواجهه با عدم قطعیت به شکل منطقی بیشترین بهره برداری را از ارزش انتظاری ذهنی^۵ انجام می دهند؛ یعنی تمام منافع و هزینه های نامعلوم آینده را با ارزش موجود و بالفعل^۶ می سنجند و در صورت برتری منافع فعلی، عمل را دارای مزیت و امتیاز می دانند. با چنین پیش فرضی انسان نفع طلب با آگاهی از قوانین و شرایط بازار اقدام می نماید و به عنوان

1 - Axiomatic.

2 - Self-evident.

3 - Deduction.

4 - The Rational Actor Model.

5 - Subjective Expected Utility.

6 - Presented Value.

نمونه سندی را ناخوانده و بدون فهم مدلول امضا نمی‌نماید. در نتیجه امضای هر سند به معنای پذیرش مفاد آن است. مگر اینکه وجود پدیده‌هایی مانند اکراه و تقلب در این فرایند اثبات شود (Eisenberg, 2000: p.808).

در این بینش، جهان انسانی مجموعه‌ای از روابط بر پایه ابژه‌های خودساخته و خوداتکا^۱ است که در آن هر شخص تنها به منافع خود می‌اندیشد و سایرین را به‌مثابه تهدید یا صرفاً ابزاری برای تحقق این هدف می‌پندارد. قرارداد نیز تعاملی محدود و حساب‌شده است که انسان، این موجود منزوی را به‌صورت لحظه‌ای برای بهره‌کشی متقابل به فردی بیگانه پیوند می‌دهد. این مبنای توجیهی بر اساس فردگرایی هابز^۲ در نهایت نوعی همبستگی ارگانیک را میان طرفین قرارداد شکل می‌دهد (Gordon, 1985: p.567). حقوق قراردادهای کلاسیک جنبه‌های پویای حقوق و اثرگذاری شرایط و بستر انعقاد قرارداد را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

اما پژوهش‌ها و یافته‌های بعدی مبنی بر عقلانیت محدود^۳، تمایلات غیرعقلانی^۴ و قابلیت ناقص^۵ انسان در تحلیل منافع از منظر مطالعات روان‌شناختی مبانی رویکرد کلاسیک را با چالش جدی مواجه ساخت. در رویکرد نئوکلاسیک، حقوق قراردادهای به شکل گسترده با اندیشه‌های رئالیستی حقوق^۶ آمیخته شد که وجه ممیزه آن توجه به نظریه نامعقول بودن، خلاف وجدان بودن یا عدم انصاف فاحش^۷ در تحلیل روابط قراردادی است. اصول دیگر مانند تعهد به حسن‌نیت، پایبندی به عرف و افزایش نقش و استفاده از اعتماد نیز از دیگر مبانی تحلیل قرارداد در این رویکرد است. نظرگاه نئوکلاسیک زمینه‌ای برای اثربخشی بیشتر به مؤلفه‌ها و هنجارهای برون‌قراردادی فراهم ساخت؛ اما همچنان قرارداد را نهادی با تعهدات جزمی^۸ و با مفادی ثابت و تفصیلی قلمداد می‌نمود (Smith, King, 2007: p.6). طبق این نگرش همچنان تلاش می‌شود هر تعهد قراردادی به اراده طرفین منتسب

1 - Self- Constituting & Self- Reliant Objects.

2 - Hobbesian Individualism.

3 - Bounded Rationality.

4 - Irrerational Disposition.

5 - Defective Capability.

6 - Legal Realism.

7 - Doctrine of Unconscionability.

8 - Definitive Obligations.

شود و نشانه‌هایی ولو ضمنی در عبارات قرارداد نسبت به آن یافت شود؛ بنابراین اگرچه اهمیت و جزمیت الفاظ به کاررفته در ایجاب و قبول در این رویکرد کمتر از نگرش کلاسیک است؛ اما همچنان قواعدی کلی و عام جهت استناد و رفع ابهام در موقعیت‌های گوناگون به کار گرفته می‌شود (Circo, 2012: p.20).

مکنیل بر مبنای تئوری قراردادهای رابطه‌ای نشان داد نگرش‌های کلاسیک و نئوکلاسیک در بهترین حالت بازتاب‌دهنده بخشی از تعاملات حقوقی در اجتماع است؛ زیرا در بسیاری از مصادیق، قرارداد، پیوند و رابطه‌ای است متأثر از شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری، بالنده و قابل تکامل که فراتر از تخصیص ریسک^۱ تعهد به همکاری و وفاداری را پایه‌ریزی می‌نماید. رویکرد این تئوری به حقوق قراردادها، استقرایی^۲ است که طبق آن حمایت از یکدیگر، تلاش برای افزایش منافع مشترک و استفاده از روشی منصفانه در صورت بروز شرایط غیرقابل پیش‌بینی مبنای قرارداد است و خودداری از تداوم رابطه یا معامله مجدد به‌مثابه شدیدترین ضمانت اجرا قلمداد می‌شود. قرارداد در این تحلیل نهادی ایستا نیست و بر مبنای مؤلفه‌های اجتماعی بر میزان کارآمدی و بهره‌وری حاصل از آن افزوده می‌شود؛ بنابراین تئوری قراردادهای رابطه‌ای به شکلی چشمگیر از فرمالیسم حقوقی^۳ فاصله می‌گیرد و بر اساس «ارزش انتظاری تعاملات آینده»^۴ برپایه اعتماد و تعامل منعقد می‌شود. زمینه به‌کارگیری این قراردادها پرهیز از سود کوتاه‌مدت و انجام اقدامات فرصت‌طلبانه شخصی در راستای حفظ و تداوم تعاملات پیوسته است (Calzolari, et. al., 2022: p.4). در نظرگاه مکنیل هر قرارداد برپایه هنجارهای مشترک و عام شکل می‌گیرد که شامل یکپارچگی نقش^۵ (رسمیت‌دادن به نقش‌های اجتماعی و کنشگری افراد جامعه در راستای معتبر قلمداد نمودن قراردادهای خصوصی از طرف قانون‌گذار)، تعامل و رابطه متقابل^۶ (تحقق سود متقابل برای طرفین از تداوم قرارداد)، اجرای برنامه‌ریزی^۷ در راستای کاهش

1 - Allocation of Risk.

2 - Inducive.

3 - Legal Formalism.

4 - Expected Value of Future Interactions.

5 - Role Integrity.

6 - Mutuality & Reciprocity.

7 - Implementation of Planning.

عدم قطعیت، تحقق رضایت^۱ (گزینش یک فرصت و نادیده گرفتن موارد مشابه)، انعطاف-پذیری^۲ (انطباق اجرای تعهدات با تغییر شرایط)، همبستگی قراردادی^۳ (تبادلات حقوقی پایدار در بلندمدت ولو با وجود فرصت‌های مشابه)، هنجارهای پیوندی^۴ (ارتباط دادن تعهدات قراردادی به راه‌حل‌های قراردادی)، تناسب روش‌ها^۵ (انتخاب و گزینش بهترین شیوه برای تحقق اهداف مورد نظر، توجه به قالب‌های توافق و محدودنماندن به محتوای قرارداد) و هماهنگی با بافت و ماتریس اجتماعی^۶ (انطباق قرارداد با هنجارهای عام اجتماعی) است (MaCneil, 1978: p.870). این هنجارها مجموعه‌ای از ارزش‌های درون‌قراردادی بین طرفین و مؤلفه‌ها و متغیرهای برون‌قراردادی است که هرچه بر میزان تناسب آن‌ها افزوده شود، قرارداد از کارآمدی بیشتر برخوردار خواهد بود. (MaCneil, 2000: p.896). همبستگی و تعامل مهم‌ترین هنجارهای حاکم بر قراردادهای رابطه‌محور است (Gibbons, 2012: p.20; Diathesopoulos, 2010: p.15) که در آن اصول حاکم بر ترتیبات قراردادی نقطه آغازی بر تنظیم روابط طرفین در آینده قلمداد می‌شود. به همین علت اصلی‌ترین کارکرد آن ایجاد پوششی^۷ جهت ضابطه‌مند کردن تعاملات آتی است و نه تبیین تفصیلی مفاد و مصادیق تعهدات قراردادی (Bird, 2005: p.152; Mouza&Blois, 2017: p.6).

لازم به ذکر است اگرچه در قالب «نظریه همبستگی قراردادی»^۸ نیز بر موضوعاتی مانند لزوم توجه به منافع طرف مقابل و حسن‌نیت توجه می‌شود؛ اما نباید این نظریه را از مبانی توجیهی قراردادهای رابطه‌محور دانست؛ زیرا همبستگی قراردادی به‌مثابه رویکردی اجتماعی به حقوق قراردادهای در مقام تحقق عدالت و اجرای اصول اخلاقی ارائه گردید. به موجب این دیدگاه اصل حاکمیت قانون، مقدم بر حاکمیت اراده مبتنی بر فردگرایی است و این امکان برای قاضی فراهم است که با در نظر گرفتن نابرابری طرفین، اقدام به تعدیل

1 - Effectuation of Consent.

2 - Flexibility.

3 - Contractual Solidarity.

4 - Linking Norms.

5 - Prpriety of Means.

6 - Social Matrix.

7 - Umbrella Agreements.

8 - The Theory of Contractual Solidarism.

قرارداد نماید تا از این طریق، رابطه قراردادی را به کنشی اجتماعی تبدیل نماید که نتیجه نهایی آن تداوم همبستگی میان طرفین است (شمس‌اللهی، ۱۳۹۹: ۵۵۵). پیروان این دیدگاه تلاش می‌نمایند وجه افراطی منفعت‌طلبی طرفین را تعدیل نمایند (جواهرکلام، کاظم‌زاده، ۱۴۰۴: ۲۲) و الزاماتی مانند ارائه اطلاعات لازم و آگاه کردن طرف مقابل را در قالب تعهدات قراردادی توجیه کنند (نظری، قاسم‌زاده، کریمی، ۱۴۰۱: ۴)؛ بنابراین با وجود برخی نتایج مشترک، نظریه همبستگی، نگاهی هنجاری^۱ و اخلاقی به قرارداد دارد و بر این اساس لزوم مداخلات حقوقی در آن را تبیین می‌نماید. در حالی که در قراردادهای رابطه‌محور بر اعتماد متقابل طرفین و لزوم حفظ و استمرار رابطه توجه می‌شود که تماماً برپایه خواست و تراضی ایجاد شده است. به همین علت برخلاف نظریه همبستگی (نظری، ۱۴۰۳: ۶۵)، مبانی قراردادهای رابطه‌محور در راستای اصل حاکمیت اراده و رسمیت‌دادن به تراضی طرفین قلمداد می‌شود؛ در نتیجه با پذیرش نظریه همبستگی، عدالت، اخلاق و همیاری اجتماعی از منابع تفسیر قرارداد است در حالی که در قراردادهای رابطه‌محور با رویکرد توصیفی، تلاش برای فهم انتظارات معقول و متعارف و توجه به خواست ضمنی و ناگفته طرفین محل توجه است. افزون بر این، قراردادهای رابطه‌محور تنها قراردادهایی خاص و با شرایط ویژه را شامل می‌شود در حالی که مدعای نظریه همبستگی، اطلاق و اجرا در تمام قراردادهاست. در نهایت مبانی قراردادهای رابطه‌محور در مقام افزایش کارآمدی و بهره‌وری حقوق قراردادهاست در حالی که نظریه همبستگی بر ملاحظات اخلاقی تأکید می‌نماید (شمس‌اللهی، ۱۳۹۹: ۵۶۱).

۳. ویژگی‌ها و تمایزهای تفسیر قراردادهای رابطه‌محور در قوانین و رویه قضایی

مکنیل و پیروان تئوری او معتقدند ویژگی‌ها و اقتضانات قراردادهای رابطه‌محور در حدی است که اصول حاکم بر تفسیر آن‌ها متمایز از سایر قراردادهاست. به دیگر سخن، هر بحث پیرامون مزیت و استقلال یا وجوه شاخص چنین قراردادهایی، مادام که در عمل و در صحنه تفسیر و اجرای آن‌ها بازتاب نیابد بی‌ثمر و یا در نهایت کم‌فایده خواهد بود. براین اساس، در این بخش ابتدا وضعیت اعتبار این قراردادها در قوانین مختلف به شکل تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد سپس اصول متمایز حاکم بر تفسیر آن‌ها در رویه قضایی که به اقتضای

¹ - Normative.

محل طرح بحث بیشتر در نظام قضایی امریکا مطرح شده است بررسی خواهد شد تا میزان اثرگذاری این تئوری در عمل مشخص شود.

۱-۳) تعریف قراردادهای رابطه‌محور در متون قانونی

اگرچه توجه به قراردادهای رابطه‌محور از دکتربین و میان نظریه‌پردازان حقوقی آغاز گردید؛ اما بررسی جایگاه چنین قراردادهایی در متون قانونی دارای ضرورت است و می‌تواند در فهم ویژگی‌های آن‌ها کارساز باشد. این بررسی نشان می‌دهد در کشورهای تابع نظام رومی ژرمنی تمایز میان قراردادهای با اجرای فوری^۱ و قراردادهای با اجرای تدریجی^۲ پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۱-۱۱۱۱ قانون مدنی فرانسه^۳ این تفکیک بر مبنای اجرای تعهدات قراردادی در یک یا چند مرحله است. در تقسیم‌بندی مشابه در حقوق آلمان از تمایز میان تعهدات موقت و پایدار^۴ سخن رفته است و به‌عنوان نمونه در ماده ۳۱۴ قانون مدنی آن کشور تفاوت میان روش‌های پایان‌دادن به چنین قراردادهایی تبیین شده است.^۵ توجه به عنصر زمان در شکل‌گیری اجزای تعهدات در سابقه تاریخی نظام کامن‌لا رواج نداشته است؛ اما با گذشت زمان تغییر در این بخش نیز قابل ملاحظه است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به تدوین «اصول حقوق قراردادهای اروپایی»^۶ اشاره نمود که با تشکیل کارگروه تخصصی، وضعیت قراردادهای تجاری بلندمدت در آن مستقلاً بررسی گردید. براین اساس، در ماده ۲۰۲:۱ تعهد به همکاری طرفین قرارداد مورد تصریح قرار گرفت.^۷ در تفسیر این ماده نیز قراردادهای رابطه‌محور از اصلی‌ترین زمینه‌های تعهد به وفاداری و هماهنگی

¹ - Contrats à Exécution Instantanée.

² - Contrats à Exécution Successive.

³ - Le contrat à exécution instantanée est celui dont les obligations peuvent s'exécuter en une prestation unique. Le contrat à exécution successive est celui dont les obligations d'au moins une partie s'exécutent en plusieurs prestations échelonnées dans le temps.

⁴ - Vorübergehende und dauernde schuldverhältnisse.

⁵ - "(1) either party may terminate continuing obligations for good cause without observing a period of notice. Good cause exists if, taking into account all circumstances of the individual case and balancing the interests of both parties, the terminating party cannot reasonably be expected to continue the contractual relationship until the agreed termination date or until the expiration of a period of notice..."

⁶ - Principles of European Contract Law (PECL).

⁷ - "Each party owes to the other a duty to co-operate in order to give full effect to the contract."

طرفین برای تحقق اهداف قلمداد شده است (Hawthorne, 2007 : p.382; Hawthorne, 2008 : p.242).

ارزیابی مصادیقی از این دست نشان می‌دهد قراردادهای رابطه‌محور در متون قانونی به‌صراحت ذکر نشده‌اند و توجه به عنصر زمان و تفکیک قراردادها به مستمر و فوری در برگیرنده تنها بخشی از مصادیق قراردادهای رابطه‌محور است؛ زیرا چنان‌که آمد نباید عقود مستمر و رابطه‌محور را یکی دانست. با این‌همه، آنچه در قوانین مختلف مشاهده می‌شود اصلاحات و یا به‌کارگیری رویکردهایی است که زمینه را برای پذیرش اصول و ضوابط خاص حاکم بر قراردادهای رابطه‌محور فراهم می‌آورد و از این منظر ظرفیت‌سازی لازم جهت اعتباربخشی به این عقود انجام شده است.

۲-۳) اصول حاکم بر تفسیر قراردادهای رابطه‌محور

بر مبنای هنجارها و تحلیل ماهیت و نوع قراردادهای رابطه‌محور می‌توان مهم‌ترین اصول تفسیر چنین قراردادهایی را به شرح زیر دانست:

• **اصل ابقای عقود:** تداوم رابطه و استمرار تعاملات حقوقی از مهم‌ترین هنجارهای حاکم بر قرارداد رابطه‌محور است. استفاده از این قالب نشان می‌دهد در نظر طرفین منفعت اصلی در استمرار یافتن بستر اجرای قرارداد است؛ بنابراین، «اصل ابقای عقود»^۱ اعتباری خدشه‌ناپذیر در این عقود خواهد داشت. به‌موجب این اصل، در تمام مراحل تفسیر، حل اختلاف قضایی و یا اجرای قرارداد، طریقی که به ابقای عقد منجر شود بر انحلال و اضمحلال آن اولویت دارد؛ زیرا بنا بر فرض، تأمین منافع طرفین در این صورت تداوم خواهد یافت. زمینه اجرای این اصل که در متون قانونی نیز بازتاب یافته است^۲ در قراردادهای رابطه‌محور است؛ چراکه در عقود گسسته که ماهیت و نوع تعامل اقتضای تداوم و ابقا ندارد استناد به این اصل چندان محملی نخواهد داشت. بر مبنای همین تحلیل اگرچه قاعده اولیه در حقوق امریکا امکان فسخ قراردادهای بدون زمان مشخص است، با استناد به همین اصل دادگاه استیناف کالیفرنیا اعلام نمود کارفرما نمی‌تواند کارمند خود در یک کارگاه شیرینی‌سازی را بدون علت موجه اخراج نماید؛ زیرا ولو بدون

¹ - The Principle of Maintenance of Contract.

² - Article 5:106 PECL: "An interpretation which renders the terms of the contract...effective is to be preferred to one which would not."

تصریح، اقتضای رابطه استخدامی تداوم است مگر اینکه تعهدات نقض شده باشد.^۱ همچنین بر مبنای همین اصل، در صورت تغییر شرایط، تعدیل و مذاکره مجدد طرفین در راستای حفظ قرارداد اولویت دارد (Robertson, 2017: p.189; Dietz, 2012: p.30).

• **اصل حسن نیت:** ساختار این قراردادها بر مبنای حسن نیت طرفینی پی‌ریزی شده است. این اصل در تمام مراحل مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد مورد متابعت است و می‌تواند خلأهای قرارداد را در مقام تفسیر از بین ببرد (Eisenberg, 2000: p.817). این اصل نیز در قوانین یا رویه قضایی کشورهای مختلف بازتاب یافته است^۲ اما باید دانست زمینه گسترش اجرای این اصل قراردادهای رابطه‌محور بوده است؛ بنابراین با وجود هر میزان چالش در اعمال حسن نیت و پذیرش آن به مثابه یک قاعده کلی^۳، استناد به آن در این قراردادها از توجیه‌پذیری قوی‌تری برخوردار است (Robertson, 2017: p.188).

• **تفسیر زمینه‌محور:** تفسیر قرارداد در اصلی‌ترین کارکرد خود در مقام فهم و احراز قصد مشترک طرفین است. بر مبنای رویکرد نوعی، متن قرارداد بازتاب‌دهنده این خواست است؛ بنابراین، استفاده از اصول الفاظ و تفسیر تحت‌اللفظی عبارات و متون به کاررفته در متن قرارداد که موجب می‌شود رابطه طرفین در چارچوب معنای بازتاب یافته در قرارداد فهم و تفسیر شود، دارای اهمیت بنیادین است (Feinman, 2000: p.742). در مقابل این رویکرد^۴، زمینه و بافت شکل‌گیری رابطه قراردادی دارای اثرگذاری قطعی است و الفاظ و متن بازتاب‌یافته در قرارداد از طریقت برخوردار بوده و در کنار مجموعه‌ای از موضوعات

¹ - Pugh v. See's Candies, Inc., 171 Cal. Rptr. 917 (Cal. Ct. App. 1981).

^۲ - مانند ماده ۳۰۴-۱ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا، ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه، ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان، ماده ۲ قانون تعهدات سوئیس، ماده ۲۴۸: ۶ قانون مدنی هلند، ماده ۱۳۷۵ قانون مدنی کبک کانادا، ماده ۴۲۲ قانون مدنی برزیل، مواد ۱۱۷۵ و ۱۳۷۵ قانون مدنی ایتالیا، ماده ۷ قانون مدنی چین و مواد ۱(۲) و ۱(۳) قانون مدنی ژاپن. در برخی کشورهای فاقد موضع صریح قانونی، رویه قضایی وجود چنین تعهدی را قاطعانه رسمیت داده است. مانند انگلستان (Re Compound Photonics Group Ltd.; Faulkner v. Vollin Holdings Ltd. [2022] EWCA Civ 1371) و استرالیا (Renard Constructions (ME) Pty Ltd v Minister for Public Works (1992)). در کشورهای مسلمان نیز ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر، ماده ۲۴۶ قانون معاملات مدنی امارات متحده عربی، ماده ۱۵۰ قانون مدنی عراق، ماده ۱۹۷ قانون مدنی کویت، ماده ۲۰۲ قانون مدنی اردن و ماده ۱۷۲ قانون مدنی قطر همین رویکرد را اتخاذ کرده‌اند.

³ - Interfoto Picture Library Ltd v Stiletto Visual Programmes [1988] 2 WLR 615 at 439.

⁴ - The Parol Evidence Rule.

دیگر مانند سابقه و رویه معاملات^۱ تفسیر می‌شوند. این نگرش با ویژگی‌ها و اقتضائات قراردادهای رابطه‌محور انطباق تام دارد. به‌نحوی که بیان شده است مهم‌ترین زمینه اجرای این رویکرد تفسیری در قوانین مختلف^۲ چنین قراردادهایی است؛ چراکه رفع ابهام از قراردادهای گسسته بیشتر زمینه‌ساز استفاده از تفسیر لفظی قرارداد و توجه به معنای ظاهری است که مبتنی بر فرمالیسم حقوقی قلمداد می‌شود (Davidson, 2023 : p.80; Galletti, 2014 : p.252).

• **تعهد به وفاداری و انجام بهترین تلاش:** استفاده از قراردادهای رابطه‌محور نشانگر اعتمادی است که تداوم قرارداد به‌موجب آن ممکن است. هریک از طرفین قرارداد باید به پاسداشت این اعتماد در عرصه اجرای قرارداد منافع طرف دیگر را مورد توجه قرار دهد و در تحقق اهداف قراردادی بالاترین سطح توان و تلاش خود را به کار گیرد (Jeorges, 1985 : p.603; Smith, King, 2007 : p.12). تعهد به وفاداری^۳ و انجام بهترین تلاش^۴ از مهم‌ترین مصادیق این تعهدات قراردادی است که در ذیل ماهیت تعاملی قراردادهای رابطه‌محور توجیه‌پذیر است (Hutchison, 2017 : p.300; Herz et. al., 2016 : p.3). این تعهدات که با اصل حسن‌نیت دارای مبانی مشترکند در قوانین مختلف بازتاب یافته است.^۵ در تفسیر این تعهد بیان شده است مفاد آن جزمی و تثبیت‌شده نیست و در شرایط مختلف مقام رسیدگی‌کننده باید مصادیق آن را تعیین نماید.^۶ از منظر اقتصادی این تعهدات سازوکاری برای تحقق نتایج بهینه قراردادی^۷ است که موجب می‌شود بر اساس انتظارات متعارف، سود حاصل از اجرای تعهدات حداکثرسازی شود. این استاندارد رفتاری به‌ویژه در صورت بروز تعارض منافع دارای کاربرد تفسیری است (Baker, Choi,

¹ - Course of Dealing.

^۲ - مانند ماده ۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی (یونیدروا)، ماده ۱۱۸ قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۳۳ قانون مدنی آلمان، ماده ۵:۱۰۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی، ماده ۱۴۲ قانون مدنی چین و ماده (۲) ۱۵۰ قانون مدنی مصر.

³ - Duty to loyalty.

⁴ - Duty to Best Efforts.

^۵ - مانند ماده ۲۰۱-۱ و ۳۰۶-۲ قانون متحدهالشکل تجاری امریکا، ماده ۴-۱-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، ماده ۱:۱۰۷ اصول حقوق قراردادهای خدماتی اروپا.

^۶ - CPC Group Limited v Qatari Diar Real Estate Investment Company [2010] EWHC 1535 (Ch) at [246].

⁷ - Optimal Out-put.

(1991: p.1119; Goets, 1981: p.579; 2015: p.579); بنابراین هر اقدامی که منجر به تأخیر و به تعویق - افتادن اجرای تعهدات طرف مقابل شود نیز مصداق تقصیر است (Soper, 2023: p.67).

• **تقدم شیوه‌های جبران خسارت خودیاری:** از تفاوت‌های مهم قراردادهای رابطه‌محور چگونگی جبران خسارات حاصل از نقض تعهد یا تأخیر در اجرای تعهدات است. مبنای این قراردادها بر رفتار متقابل و تحقق مزایای مشترک بر اساس حفظ و تداوم رابطه است؛ بنابراین در مراحل ابتدایی اجرای قرارداد بیم از واکنش متقابل و تحمیل زیان ناشی از خروج طرف مقابل از قرارداد مهم‌ترین تضمین پایبندی به عقد است. در این مرحله استفاده از روش‌های جبران خسارت نیازمند مراجعه به دادگاه یا مرجع ثالث دارای اولویت نیست و شیوه‌های مستقل از طرح دعوا^۱ مانند حق حبس، تقلیل ثمن^۲ و تهاتر مورد توجه قرار می‌گیرد (جنیدی، راضی: ۱۴۰۳: ۶۸). با این همه، نباید پنداشت شیوه‌های مرسوم جبران خسارت و یا مراجعه به محاکم درباره چنین قراردادهایی غیرممکن و یا بلاوجه است. در این مرحله نیز تعیین شیوه‌های جبران خسارت باید متناسب با اقتضائات چنین قراردادهایی صورت بگیرد و در تعیین خسارت معادل زیان،^۳ ویژگی‌های مهم مانند عنصر زمان، صرف هزینه برای حفظ رابطه و اعتماد متقابل طرفین نسبت به یکدیگر مدنظر قرار گیرد. این رویکرد اگرچه الزاماً به ایجاد روش‌های جبران خسارات نوآورانه منجر نمی‌شود؛ اما می‌تواند اولویت‌بندی در آن‌ها را تغییر دهد. بر این اساس، اجرای عین تعهد^۴ بر مبنای تفسیر لفظی و مضیق از تعهد قراردادی^۵ با ماهیت منعطف چنین قراردادهایی سازگار نیست و باید انتظارات متعارف طرفین را مدنظر قرار داد، حتی اگر این امر به تعدیل تعهد قراردادی بینجامد. همچنین در ارزیابی میزان خسارت^۶ نباید بر معیارهای شخصی اتکا نمود؛ بلکه قابل‌پیش‌بینی بودن ضرر بر اساس سنجش عرفی تعیین‌کننده مسئولیت قراردادی طرفین است.^۷

1 - Self-help Remedies.

2 - Reduction of Price, U.N. Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG 1980), Article 50.

3 - Compensatory Damages.

4 - Specific Performance, CISG, Article 28.

5 - Literal Enforcement.

6 - Assessing Compensatory Damages.

7 - Hadley v. Baxendale [1954] 9 Exch. 341.

رابطه درهم تنیده متعاملین^۱ در این عقود نیز نباید نادیده گرفته شود. پیمان شکنی در این قراردادها افزون بر خسارت مادی، نقض اعتماد را نیز در پی دارد که باید در جبران خسارات مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین، چنین قراردادهایی زمینه اصلی اجرای خسارت حاصل از اعتماد^۲ قلمداد می‌شوند^۳ و هر نوع رفتار منفعت طلبانه زمینه استفاده از خسارت‌های فراجبرانی^۴ مانند استرداد منافع^۵ و یا خسارات تنبیهی^۶ را توجیه پذیر می‌نماید (Adar, Gelbard, 2015 : p.25; Campbell, 2005 : p.467). به عنوان مثال در کامن لا بیان شده است اگر بیمه‌گر با تقصیر، جبران خسارت مشمول بیمه‌نامه را رد نماید، به علت سوءنیت مرتکب رفتاری خلاف قانون نیز شده است^۷ که افزون بر مسئولیت قراردادی به بیمه‌گذار امکان مطالبه خسارات تنبیهی را نیز می‌دهد. این تحلیل از آن رو است که بیمه ماهیتی اعتمادمحور دارد که هدف بیمه‌گذار از آن افزون بر تأمین سود و تضمین منافع، تحقق آرامش خاطر است؛ بنابراین اقدامات بیمه‌گر برخلاف چنین تصویری به مسئولیت فراقردادی نیز منجر خواهد شد.^۸

این تفاوت ساختاری در توافق پیرامون میزان مسئولیت قراردادی نیز نمایان است؛ اگرچه قاعده اولیه امکان توافق در میزان جبران خسارت در فرض نقض قرارداد است اما بیان شده است در قراردادهای رابطه محور مفاد هر توافق را باید هم سو و سازگار با سایر هنجارهای قراردادی تفسیر نمود. در نتیجه در صورتی که چنین شرطی^۹ مسئولیت را بسیار فراتر از میزان خسارت واقعی تعیین نماید معتبر نیست و باید از طریق دادگاه تعدیل شود؛ زیرا تنها در این صورت است که هم‌گرایی اصول و نرم‌های حاکم بر قرارداد مبنی بر پیوستگی و اعتماد متقابل تحقق می‌یابد (Gudel, 1998 : p.785).

1 - Intensive Interpersonal Relationship.

2 - Reliance Loss.

3 - Robinson v. Harman (1848) 1 Exch 850 (Jan. 18, 1848).

4 - Extra-compensatory Damages.

5 - Disgorgement Damages.

6 - Punitive Damages.

7 - Tort of Bad Faith Breach.

^۸ - در کامن لا در موارد متعدد مانند نقض تعهدات عمومی مستقل از قرارداد، عدم پوشش کامل خسارات با استفاده از روش‌های جبران خسارت قراردادی، عدم شمول قرارداد نسبت به تمام خسارات و وجود روابط خاص بین طرفین مانند آنچه در قراردادهای رابطه محور شکل می‌گیرد، زیان‌دیده امکان استناد به هردو سازوکار مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی را خواهد داشت (Hedley Byrne v Heller [1964] AC 465).

9 - Penalty Clause.

۴. قراردادهای رابطه‌محور در فقه و حقوق ایران

در فقه اسلامی تمایز بین عقود بر مبنای ویژگی‌های مختلف رسمیت یافته است. اگر چه در برخی موارد عناوین مشخصی برای تقسیم‌بندی قراردادها در متون فقهی ملاحظه نمی‌شود؛ اما دقت نظر در تحلیل‌های فقهی نشان از توجه به اقتضائات خاص عقود باوجود شمول قواعد عمومی بر آنهاست. در انطباق‌سنجی قراردادهای رابطه‌محور با فقه اسلامی باید گفت عنوانی خاص برای این عقود در منابع فقهی ملاحظه نمی‌شود؛ اما باید فراتر از این امر نشانه‌ها و تحلیل‌های قابل تطبیق یا نهادهای شبیه با این عقود را مورد ارزیابی قرار داد. در کتب فقهی عقود مستمر و امانی به شکل گسترده مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند؛ اما چنانکه آمد، با وجود برخی شباهت‌ها عقد رابطه‌محور با هیچ‌یک از این دو انطباق تام ندارد. دقت نظر نشان می‌دهد باوجود تعاریف و رویکردهای مختلف در ماهیت‌شناسی، «اعتماد» اصلی‌ترین مؤلفه سازنده قراردادهای رابطه‌محور است، به نحوی که می‌توان اعتمادمحوری را خصیصه اصلی آن دانست. براین اساس، باید گفت آنچه در ذیل «ایتمان» (ائتمان)^۱ در فقه اسلامی بحث شده است از بیشترین میزان انطباق با این عقود برخوردار است. البته در بسیاری از پژوهش‌ها ایتمان یا استیمان هم‌معنای امانت قلمداد شده است که بر مبنای آن قاعده عدم ضمان امین در مقابل قاعده علی‌البد تبیین می‌شود (محقق-داماد، ۱۳۸۲: ۹۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۲۷۸). اما یکی از حقوق‌دانان معتقد است امانت اصطلاحی نزد متشرعه است که در نصوص شرعی مدلول ایتمان، محدودتر از آن است؛ زیرا ایتمان تنها در جایی تحقق می‌یابد که شخص با احراز وصف امانت‌داری طرف مقابل عقد را انتخاب می‌نماید (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). به دیگر سخن، ید امانی نسبت به مال غیر نشان از غصبی نبودن تصرفات در مال غیر است. اما ایتمان در جایی تحقق می‌یابد که اعتماد به طرف مقابل و احراز اوصافی خاص مبنی بر صلاحیت و شایستگی او محرک انعقاد قرارداد است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۰۲، ۴۵۹)؛ بنابراین با دقت نظر بیان شده است عقود ایتمان برپایه اعتماد ساختاری یا ماهوی شکل می‌گیرد یعنی اقتضای عقد بررسی و احراز این وصف است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

۱ - این واژه در آیه ۲۸۳ سوره بقره آمده است: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانًا مَّقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكُونُوا الشَّاهِدَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ أَمٌّ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

۵۰۶). چنین خوانش نوآورانه‌ای از مفهوم ایتمان و متمایز کردن آن از امانت دریچه‌ای جدید در تفسیر اصول و ضوابط حاکم بر مصادیقی از عقود ایجاد می‌نماید که نشان از ظرفیت انطباق و سازگاری عقود رابطه‌محور با فقه اسلامی است.

با این همه در نظر فقها تمایز میان این دو اصطلاح چندان ضابطه‌مند نیست؛ برخی وکالت را از مصادیق ایتمان دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۸۰؛ حلی، ۱۴۲۰: ۵۷). همچنین لقطه مصداق ایتمان شرعی (مکی عاملی، ۱۴۱۷: ۷۶)، وصایت نیز مستلزم ایتمان (نجفی، ۱۴۱۶: ۳۹۲) و عقودی چون ودیعه و عاریه نیز از مصادیق ایتمان قراردادی محسوب شده‌اند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۴۵). در احادیث متعدد نیز از این اصطلاح در ابواب مختلف فقهی استفاده شده است^۱ که در اغلب آن‌ها معنای اعتماد از آن استنباط می‌شود و در برخی موارد نیز به‌مثابه مبنای تحلیل ضوابط یا آموزه‌های فقهی به‌کارگرفته شده است. به‌عنوان نمونه در تفسیر حدیث شریف «عَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ سُحْتٌ» بیان شده است مسترسل، هر فرد اعتمادکننده را شامل می‌شود مانند اینکه خریدار ناآگاه و ناتوان از تحقیق که به رفتار و گفتار فروشنده مبنی بر متعارف بودن میزان ثمن اعتماد می‌نماید. مغبون کردن چنین فردی نقض اعتماد او است که حرام و مصداق غش در معامله قلمداد شده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۶۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴۵۷؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۲۶) درحالی‌که، مطلق غبن صرفاً موجب حق فسخ مغبون است و الزاماً به حرمت نمی‌انجامد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۵۹).

تردید در مفهوم‌شناسی ایتمان و انطباق‌سنجی آن با امانت منجر به بروز اختلاف دیدگاه در موضوعات مختلف شده است که شاید بتوان اصلی‌ترین مصداق آن را در امکان درج شرط ضمان در عقود امانی دانست. تفصیل اختلاف‌نظرات در این موضوع را باید در منابع مرتبط پی گرفت؛ اما به‌اجمال باید گفت برخی چنین شرطی را مغایر با امانت قلمداد کرده و با ماهیت آن ناسازگار می‌دانند. بر همین اساس، شرط ضمان مستودع (ولی‌پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۶)، مضارب (حلی، ۱۴۲۸: ۱۶۳؛ ماده ۵۵۸ قانون مدنی)، مستأجر (نجفی،

۱ - به‌عنوان نمونه «بَابُ كَرَاهَةِ اِئْتِمَانِ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ اِبْضَاعِهِ وَ كَذَا كُلُّ سَفِيهٍ» (حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول ج ۱۹ ص ۸۲ احادیث ۲۴۲۰۷ تا ۲۴۲۱۱) و «بَابُ عَدَمِ جَوَازِ اِئْتِمَانِ الْخَائِنِ وَ الْمُضَيِّعِ وَ اِفْسَادِ اَلْمَالِ» (حرعاملی، منبع پیشین، ص ۸۷ احادیث ۲۴۲۱۵ تا ۲۴۲۲۱).

۱۴۱۵: ۲۱۷؛ حلی، ۱۴۳۱: ۲۳۳) و مرتهن (حلی، ۱۴۲۳: ۲۵۹) بی اعتبار محسوب شده‌اند؛ زیرا شرط نمی‌تواند ماهیت و حکم تصرفات مضمون یا غیرمضمون را تغییر دهد.^۱ در مقابل بیان شده است اذن مالک به‌مثابه منبع ایجادکننده امانت با ضمان متصرف قابل جمع است و بیان اینکه «الامین لایضمن الا بالتعدی و التفریط» تنها در فرضی است که خلاف آن مورد توافق طرفین قرار نگرفته است. نمونه‌ها و مصادیق متعدد نیز نشان می‌دهد فارغ از اشکالات متعدد پیرامون ماهیت و آثار اذن مالکانه در فقه اسلامی که به بروز اختلاف در تحلیل موضوعات یکسان انجامیده^۲، ضمان و مسئولیت امین در فروض خاص و یا مبتنی بر توافق طرفین، پذیرفته شده است. به‌عنوان نمونه در دیدگاه برخی محققین اجاره به‌شرط ضمان معتبر است (طباطبائی‌یزدی، ۱۴۴۰: ۶۱؛ جعفری-لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۱۴)، طلا و نقره از اموال مستعار مضمونه قلمداد شده‌اند (ماده ۶۴۴ قانون مدنی) و شرط ضمان مستودع (السنهوری، ۲۰۱۱: ۷۱۰) و مستعیر نیز صحیح است (ماده ۶۴۲ قانون مدنی). پذیرش این تحلیل حتی از سوی صاحب‌نظرانی که به‌طور کلی ضمان را با امانت قابل جمع نمی‌دانند (حلی، ۱۴۲۷: ۲۴۳ و ۲۷۴) را نباید صرفاً بر مبنای وجود احادیث قابل توجیه دانست؛^۳ زیرا عدم انطباق ضمان با امانت و مضمون قلمدادکردن ید امین تنها در فرض تعدی و تفریط به‌علت مغایرت ماهوی و ذاتی این دو نهاد با یکدیگر توجیه شده است؛ بنابراین مخالفت با امور ذاتی یا نادیده‌گرفتن آن‌ها را نمی‌توان در قالب استثنا قابل پذیرش دانست. به‌دیگر سخن، وجود مصادیق متعدد مورد تردید و یا نمونه‌هایی متفاوت با نگرش فوق که مورد تأیید مشهور فقها قرار گرفته است نشان می‌دهد اتکاء به وصف امانت برای فهم دقیق حکم، کفایت نمی‌کند؛ زیرا با وجود وصف امانت در نمونه‌های مشابه، احکام یکسان استنباط نشده است. این وضعیت نشانگر قابلیت و توانمندی ارزیابی روابط قراردادی از دریچه «اعتماد» در ارائه راه‌حلی مطلوب و

۱- «ما لایجب ضمانه لایصیر بالشرط مضموناً، كما أن ما یجب ضمانه لایتنفی ضمانه بشرط». (حلی، ۱۴۳۱: ۲۳۳).

۲- به‌عنوان نمونه برخی از فقها شرط ضمان مضارب را خلاف مقتضای اطلاق عقد و صحیح می‌دانند (طباطبائی‌یزدی، ۱۴۴۰: ۱۶۳).

۳- فی الصحیح عن ابن مسکان عن الصادق (ع)، قال: «لا تضمن العاریه إلا أن یكون اشترط فیها ضماناً، إلا الدنانیر فإنها مضمونه و إن لم یشرط فیها ضمان» (حلی، ۱۴۲۷: ۲۴۴).

کارگشا است. براساس این رویکرد، با تحقق اعتماد در عقود، شرط ضمان بی اعتبار است و در این ارزیابی نباید اعتماد را با امانت یکی دانست. همچنین با وجود تردیدهای فراوان حتی اگر اعتبار حسن نیت به مثابه یک قاعده الزام آور عام در فقه و حقوق ایران پذیرفته نشود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۰۷؛ سیمایی صراف، ۱۳۹۳: ۷۰) می توان الزام به پایبندی به آن را در عقود رابطه محور به رسمیت شناخت و از این طریق افزون بر نزدیک تر کردن موضع حقوق ایران به موازین بین المللی، بر کارآمدی ضوابط آن نیز افزود. تفسیر برخی احکام فقهی بازتاب یافته در قانون مدنی نیز مؤید وجود ظرفیت انطباق نظام حقوقی ایران با نظریه عقود رابطه محور است. به عنوان نمونه انتقال عقد مزارعه و مساقات از سوی عامل جز بر پایه رضایت مالک ممکن نیست؛ اما در مساقات شراکت عامل با دیگری نیز نیازمند رضایت مالک است (مواد ۵۴۱ و ۵۴۵ قانون مدنی). با وجود برخی نقدها از رویکرد قانون مدنی (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۳۵) در توجیه این تفاوت می توان گفت اگرچه مزارع در واگذاری زمین خود به زارع جهت کشت و زرع متناسب، حدی از اعتماد و اطمینان نسبت به او را روا می دارد؛ اما موضوع مساقات نگهداری و مراقبت از درختان یا گیاهان مثمری است که به شکل معمول عدم مراقبت از آنها به زیان-هایی هنگفت می انجامد. بر همین اساس، منطق حاکم بر مساقات اعتمادی افزون نسبت به مزارعه را اقتضا می نماید که در نتیجه آن شراکت عامل با دیگری نیز نیازمند رضایت مالک است (حلی، ۱۴۳۱: ۵۰۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

قراردادهای رابطه‌محور با تکیه بر مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و انعطاف‌پذیری، توانسته‌اند چالش‌های حقوق سنتی قراردادهای در مواجهه با روابط پیچیده و بلندمدت را پاسخ دهند. این قراردادهای نه تنها ناظر بر تعهدات جزمی نیستند بلکه با ایجاد یک چارچوب پویا، امکان مدیریت مؤثرتر ریسک، تفسیر مبتنی بر بافت و حفظ رابطه در بستر تغییرات را فراهم می‌سازند. مقایسه تطبیقی با فقه اسلامی نیز بیانگر آن است که گرچه عنوان مستقلی برای این قراردادهای در فقه وجود ندارد، مفاهیمی مانند ایتمان و برخی عقود امانی قابلیت انطباق نسبی با این الگو را دارند. بر این اساس، شناسایی هنجارهای مشترک، به‌ویژه در موضوعاتی نظیر شرط ضمان، وفاداری و ابقای عقد، زمینه‌ساز توسعه تئوری‌های بومی و کارآمد در حقوق قراردادهای خواهد بود. به نظر می‌رسد بازاندیشی در ضوابط تفسیر و اجرای قراردادهای در حقوق ایران با رویکرد رابطه‌محور، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تقویت عدالت قراردادی و ارتقای کارآمدی نظام حقوقی باشد؛ بنابراین می‌توان پیشنهاد داد در تحلیل‌های حقوقی و دسته‌بندی انواع مختلف عقود، قراردادهای رابطه‌محور و اقصانات ساختاری آن مورد توجه قرار گیرد. دقت نظر پیرامون این موضوع ظرفیت‌های مطلوبی در فقه و حقوق ایران نمایان می‌سازد که به تدریج در مرحله انعقاد، اجرا و تفسیر چنین قراردادهایی به شکل‌گیری مجموعه ضوابطی متناسب و منسجم خواهد انجامید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فہرست منابع

فارسی

۱. السنہوری، عبدالرزاق احمد (۲۰۱۱). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. جلد ہفتم، قاہرہ: نہضہ مصر، چاپ سوم.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). الفارق. جلد اول، تہران: گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). حقوق تعہدات. تہران: گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). وسیط در ترمینولوژی حقوق. چاپ دوم، تہران: گنج دانش.
۵. جنیدی، لعیا و راضی، سپیدہ (۱۴۰۳). کارکرد حقوق تطبیقی در حقوق خصوصی با مطالعہ موردی وجہ التزام. تحقیق و توسعہ در حقوق تطبیقی، ۲۳(۷): ۶۳-۹۰.
۶. جواہرکلام، محمدہادی و کاظمزادہ، رسول (۱۴۰۴). چرایی و چگونگی تعدیل وجہ التزام قراردادی؛ قیام رویہ قضایی در برابر قانون نامطلوب (با مطالعہ تطبیقی در حقوق فرانسہ، انگلستان و اسناد بین المللی). تحقیق و توسعہ در حقوق تطبیقی، ۲(۸): ۲۶-۹-۴۹.
۷. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تذکرہ الفقہاء. جلد یازدہم، قم: مؤسسہ آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
۸. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۳). تذکرہ الفقہاء. جلد سیزدہم، قم: مؤسسہ آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
۹. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۷). تذکرہ الفقہاء. جلد شانزدہم، قم: مؤسسہ آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۸). تذکرہ الفقہاء. جلد ہفدہم، قم: مؤسسہ آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۳۱). تذکرہ الفقہاء. جلد ہیجدہم، قم: مؤسسہ آل البیت (ع) لإحیاء التراث.
۱۲. سیمایی صراف، حسین (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی حسن نیت در فقه، حقوق خارجی و اسناد بین-المللی. آموزہ‌های فقه مدنی، ۱۰(۱): ۵۱-۷۲.
۱۳. شمس اللہی، محسن (۱۳۹۹). نظریہ ہمبستگی قراردادی. حقوق خصوصی، ۱۷(۲): ۵۴۳-۵۸۴.
۱۴. صفایی، سیدحسن و جواہر کلام، محمدہادی (۱۴۰۰). حقوق مدنی پیشرفته، نمایندگی و امانت. تہران: شرکت سهامی انتشار.

۱۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۴۰). العروه الوثقی مع تعلیقات عده من الفقهاء العظام. جلد پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷). مبسوط فی فقه الامامیه، جلد دوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.
۱۷. عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۸۲). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. جلد سوم، قم: انتشارات دارالتفسیر.
۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی، جلد هفدهم. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین،
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی، عقود معین، جلد دوم، تهران: گنج دانش، چاپ ششم، چاپ ششم.
۲۰. کاشف الغطاء، علی (۱۴۲۲). شرح خیارات اللمعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹). تحریر المجله. جلد دوم، نجف: مکتبه المرتضویه.
۲۲. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد هفتم، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی.
۲۳. مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۷). الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه. جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۵). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد بیست و هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۶). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد بیست و هشتم، بیروت: دار احیاء التراث العرب.
۲۶. نظری، وحید (۱۴۰۳). نظریه همبستگی قراردادی. تهران: انتشارات نگاه بینه.
۲۷. نظری، وحید؛ قاسم زاده، مرتضی؛ کریمی، عباس (۱۴۰۱). تعهد به ارائه اطلاعات و همبستگی قراردادی. دیدگاه های حقوق قضائی، ۲۷(۹۹): ۱-۲۴.
۲۸. وکیلی مقدم، محمد حسین (۱۴۰۱). «مبانی و اصول عامه عقود مستمر در مطالعه تطبیقی فقه اسلامی»، حقوق ایران و غرب. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳۴(۴)، ۳۰۳-۳۳۰.
۲۹. ولی پوری، حسین، موسوی، سید ابراهیم، و احمدی، فیروز (۱۳۹۸). شرط ضمان بر مستودع در عقد ودیعه. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۵(۴۲): ۱۳۵-۱۵۴.

References

1. Adar, Y., Gelbard, M. (2015). *The Role of Remedies in the Relational Theory of Contract - A Preliminary Inquiry*.
2. Al-Sanhouri, A. (2011). *Al-Wasit in the Explanation of the New Civil Law*, Vol. 7, 3rd edition. Cairo: Nahdat Misr. (In Arabic)
3. Ameli, M. (1996). *Al-Durus al-Shar'iyah fi Fiqh al-Imamiyyah*, Vol. 3, 2nd edition. Qom: Office of Islamic Publications. (In Arabic)
4. Ameli, Z. (2003). *Al-Rawdah al-Bahiyah fi Sharh al-Lam'ah al-Dimashqiyyah*, Vol. 3, 1st edition. Qom: Dar al-Tafsir Publications. (In Arabic)
5. Baker, G., Gibbons, R., Murphy, K. (2002). Relational Contracts and the Theory of Firm. *Quarterly Journal of Economics*, 117(1), 39-84.
6. Baker, S., Coi, A. (2015). Contract's Role in Relational Contract. *Virginia Law Review*, 101(3), 559-608.
7. Bird, R. (2005). Employment as Relational Contract. *University of Pennsylvania Journal of Labor and Employment Law*, 8(1), 149-218.
8. Calzolari, G., Felli, L., Koenen, J., Spagnolo, G. (2022). *Relational Contracts and Trust in a High-Tech Industry*. CESifo Working Paper No. 9362.
9. Campbell, D. (2004). *Ian MacNeil and Relational Theory of Contract*. Center for Legal Dynamics of Advanced Market Societies, Kobe University, Discussion Paper No. 04/1E.
10. Campbell, D. (2005). The Relational Constitution of Remedy: Co-Operation as the Implicit Second Principle of Remedies for Breach of Contract. *Texas Wesleyan Law Review*, 11(2), 455-480.
11. Circo, C. (2012). The Evolving Role of Relational Contracts in Construction Law. *Construction Lawyer*, 32(4), 16-47.
12. Collins, H. (2016). Is a Relational Contract a Legal Concept? In: Degeling, S., Edelman, J., Goudkamp, J. (eds), *Contract in Commercial Law*. Thomson Reuters.
13. Davidson, A. (2023). Relational Contract Theory, the Relevance of Actual Performance in Contractual Interpretation and Its Application to Employment Contracts in the United Kingdom and Australia. *Commonwealth Law Review*, Vol. 52(2-3), 61-100.
14. Diathesopoulos, M. (2010). Relational Contract Theory and Management Contract: A Paradigm for the Application of the Theory of the Norms. *Munich Personal RePEc Archive*.
15. Dietz, T. (2012). Contract Law, Relational Contracts and Reputational Networks in International Trade: An Empirical Investigation into Software Industry. *Law & Social Inquiry*, 37(1), 25-57.
16. Eisenberg, M. (2000). Why There is No Law of Relational Contracts. *Northwestern University Law Review*, 94(3), 805-822.

17. Fayz Kashani, M. (1986). *Al-Wafī*, Vol. 17, Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Library. (In Arabic)
18. Feinman, J. (2000). Relational Contract Theory in Context. *Northwestern University Law Review*, 94(3), 737-748.
19. Frydinger, D., Cummins, T., Vitasek, K., Bergman, J. (2016). *Unpacking Relational Contracts: The Practitioner's Go-To Guide for Understanding Relational Contracts*. College of Business, University of Tennessee, Knoxville, Working Paper No. 06.
20. Galletti, S. (2014). Contract Interpretation and Relational Contract Theory: A Comparison Between Common Law and Civil Law Approaches. *Comparative and International Law Journal of Southern Africa*, 47(2), 248-275.
21. Gibbons, R. (2012). Relational Contracts. *Journal of Economic Perspectives*, 25: 15-32.
22. Goetz, C., Scott, R. (1981). Principles of Relational Contracts. *Virginia Law Review*, 67(6), 1089-1150.
23. Gordon, R. (1985). Macaulay, MacNeil and the Discovery of Solidarity and Power in Contract Law. *Wisconsin Law Review*, 50: 565-580.
24. Gudel, P. (1998). Relational Contract Theory and the Concept of Exchange. *Buffalo Law Review*, 46(3), 763-798.
25. Hawthorne, L. (2007). Relational Contract Theory, Principles of European Contract Law, Long-Term Contracts and the Impact of Implicit Dimensions. *Journal for Contemporary Roman-Dutch Law*, 70(3), 371-390.
26. Hawthorne, L. (2008). The First Traces of Relational Contract Theory: The Implicit Dimension of Co-operation. *South African Mercantile Law Journal*, 19(2), 234-246.
27. Herz, H., Schmutzler, A., Volk, A. (2016). *Cooperation and Mistrust in Relational Contracts*. University of Zurich, Department of Economics, Working Paper No. 233.
28. Hilli, H. (1999). *Tadhkirat al-Fuqahā*, Vol. 11, Qom: Al al-Bayt (a.s.) Foundation for Reviving Heritage. (In Arabic)
29. Hilli, H. (2002). *Tadhkirat al-Fuqahā*, Vol. 13, Qom: Al al-Bayt (a.s.) Foundation for Reviving Heritage. (In Arabic)
30. Hilli, H. (2006). *Tadhkirat al-Fuqahā*, Vol. 16, Qom: Al al-Bayt (a.s.) Foundation for Reviving Heritage. (In Arabic)
31. Hilli, H. (2007). *Tadhkirat al-Fuqahā*, Vol. 17, Qom: Al al-Bayt (a.s.) Foundation for Reviving Heritage. (In Arabic)
32. Hilli, H. (2010). *Tadhkirat al-Fuqahā*, Vol. 18, Qom: Al al-Bayt (a.s.) Foundation for Reviving Heritage. (In Arabic)

33. Hutchison, A. (2017). Relational Theory, Context and Commercial Sense: Views on Contract Interpretation and Adjudication. *South African Law Journal*, 134(2), 296-326.
34. Itoh, H., Morita, H. (2006). *Formal Contracts, Relational Contracts and the Holdup Problem*. CESifo Working Paper No. 1786.
35. Jafari-Langroudi, M. (1999). *Law of Obligations*, 1st edition. Tehran: Ganj-e-Danesh. (In Persian)
36. Jafari-Langroudi, M. (2007). *Al-Fareq*, Vol. 1, 1st edition. Tehran: Ganj-e-Danesh. (In Persian)
37. Jafari-Langroudi, M. (2009). *Al-Wasit in Legal Terminology*, 2nd edition. Tehran: Ganj-e-Danesh. (In Persian)
38. Joerges, C. (1985). Relational Contract Theory in a Comparative Perspective: Tensions Between Contract and Antitrust Law Principles in the Assessment of Contract Relations Between Automobile Manufacturers and Their Dealers in Germany. *Wisconsin Law Review*, 3: 581-616.
39. Johnson, S., Macmillan, J., Woodruff, C. (2001). *Courts and Relational Contracts*. National Bureau of Economic Research, Working Paper No. 8572.
40. Joneydi, L., & Razi, S. (2024). The Function of Comparative Law in Private Law through a Case Study of Liquidated damages. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 23(7), 63-90. (In Persian)
41. Javaherkalam, M. H., & Kazemzadeh, R. (2025). The argument and Manner of Modification of Liquidated Damages; Resistance of Judicial Precedent Against an Inappropriate Law (By a Comparative Study of French and English Law and International Instruments). *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 26(8), 9-49. (In Persian)
42. Kashif al-Ghita', A. (2001). *Sharh Khiyarat al-Lani ah*, 1st edition. Qom: Office of Islamic Publications. (In Arabic)
43. Kashif al-Ghita', M. (1980). *Tahrir al-Majallah*, Vol. 2, 1st edition. Najaf: Al-Maktabah Al-Murtazawiyah. (In Arabic)
44. Katouzian, N. (2004). *Civil Law: Specific Contracts*, Vol. 2, 6th edition. Tehran: Ganj-e-Danesh. (In Persian)
45. Kobayashi, I. (2005). The Interaction Between Japanese Corporate Governance and Relational Contract Practice. *New York University Journal of Law & Business*, 2(1), 269-322.
46. Macneil, I. (1978). Contracts: Adjustment of Long-Term Economic Relations Under Classical, Neoclassical and Relational Contract Law. *Northwestern University Law Review*, 72: 854-905.
47. Macneil, I. (2000). Relational Contract Theory: Challenges and Queries. *Northwestern University Law Review*, 94(3), 877-908.

48. Majlesi, M. (1986). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Man La Yahduruh al-Faqih*, Vol. 7, 2nd edition. Qom: Islamic Cultural Foundation. (In Arabic)
49. Mouza, S., Blois, K. (2017). *Relational Contract Theory: Confirmations and Contradictions*. Lancaster University Management School, Working Paper LA149.
50. Najafi, M. (1995). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi al-Islam*, Vol. 27, 7th edition. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
51. Najafi, M. (1996). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi al-Islam*, Vol. 28, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
52. Nazari, V. (2024). *The Theory of Contractual Solidarism*. Tehran: Negah Bineh Publishing. (In Persian)
53. Nazari, V., Ghasemzadeh, M., & Karimi, A. (2022). Duty of Disclosure and Contractual Solidarism. *Legal-Judicial Perspectives*, 27(99), 1-24. (In Persian)
54. Robertson, D. (2017). Long-Term Relational Contracts and the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts. *Australian International Law Journal*, 5: 185-192.
55. Safaei, H. & Javaherkalam, M. (2021). *Advanced Civil Law: Agency and Trust*, 1st edition. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar. (In Persian)
56. Scott, E., Scott, R. (1988). Marriage as Relational Contract. *Virginia Law Review*, 84(7), 1225-1334.
57. Scott, R. (2000). *The Case for Formalism in Relational Contract*. Northwestern University Law Review, Vol. 94(3), 847-876.
58. Shamsollahi, M. (2020). The Theory of Contractual Solidarism. *Private Law Journal*, 17(2), pp. 543-. (In Persian)
59. Simaei-Sarraf, H. (2014). A Comparative Study of Good Faith in Islamic Jurisprudence, Foreign Law, and International Instruments. *Teachings of Civil Jurisprudence*, 10(1), 51-72. (In Persian)
60. Smith, G., King, B. (2007). *Contract as Organizations*. University of Wisconsin Law School, Legal Studies Research Paper Series, Paper No. 1037.
61. Soper, H. (2023). What Is a Relational Contract? Does Coherence Lurk Amongst Shapeshifting Incidents and Grandiloquent Language? *Singapore Journal of Legal Studies*, 173: 52-82.
62. Tabatabaei-Yazdi, M. (2018). *Al-Urwah al-Wuthqa with Comments by Several Great Jurists*, Vol. 5, 6th edition. Qom: Islamic Publishing Institute. (In Arabic)
63. Tusi, A. (2008). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*, Vol. 2, 3rd edition. Tehran: Al-Maktabah Al-Murtazawiyah for Reviving Ja'fari Heritage. (In Arabic)

64. Vakili-Moghadam, M. (2022). General Principles and Foundations of Continuous Contracts in a Comparative Study of Islamic Jurisprudence. *Iran and the West Law: A Comparative Study of Islamic and Western Law*, 34(4), 303-330. (In Persian)
65. Valipouri, H., Mousavi, E., & Ahmadi, F. (2019). The Guarantee Clause in the Contract of Deposit. *Private and Criminal Law Research*, 15(42), 135-154. (In Persian)

